

Designing and Assessing the Optimal Model of Confronting Strategies against Security Threats of Extremist Islamism in Central Asia with the Emphasis on the Role of Iran

Mojtaba Abbasi Ghadi*

Ph.D. in Sociology, University of Tajik Academy of Sciences

Mohammad Farhadi

Ph.D. in Political Science, University of Tajik Academy of Sciences

Mohsen Diyanat

Associate Professor of Political Sciences, Payame Noor University

(Date received: 6 Sept. 2020 - Date approved: 11 Feb. 2021)

Abstract

The objective of research: The present research puts forward designing and assessing the optimal model of strategies with security threats of extremist Islamism in Central Asia with the emphasis on the role of Iran with the objective of presentation of suitable strategies for confronting extremist Islamism in countries of Central Asia.

Theoretical framework: For a theoretical explanation of the Etiology of extremist Islamism threats in Central Asia, a compound approach includes the theory of Huntington Political Development and theories of social pressure such as the theory of Robert Agnive General pressure, Robert Morton and Peter and Judit feel of relative deprivation have not been applicable. Therefore, for theoretical explanation of strategies to control extremist Islamism in Central Asia, the Convergence theory, cultural diplomacy, soft power, and social development have been applied.

Method of research: Having used qualitative research approach and content analysis, the data, relative to coping strategies with security threats of extremist Islamism in Central Asia with the emphasis on the role of Iran were collected through a semi-structured interview (standard) with 12 persons (among them are university professors and experts in political science and regional studies), done as theoretical sampling method and theoretical saturation. For analysis of qualitative data, the contents analysis and contents network based on theoretical coding process in 3 stages “open coding, axial coding and, selected coding” has been used in line with the finding of basic themes, organized themes and comprehensive themes and finally, a conceptual model of confronting strategies against security threats of extremist Islamism in Central Asia have been formed with emphasis on

* E-mail: mojtabaabbasighadi55@gmail.com

the role of Iran. To validate the issues and structural model, the evaluation method was used as a communication method (by referring to the interviewers) and the audit method (by referring to professors and experts). For reliability testing, two reproducibility methods (by accessing the internal agreement coefficient between the two transition codes and eliminating existing deficiencies), as well as transferability or generalizability (by performing theoretical and comprehensive sampling), were used.

Research findings: Qualitative research findings showed that optimal model of confronting strategies against security threats of extremist Islamism in Central Asia with emphasis on the role of Iran with nine comprehensive themes have been reached to theoretical saturation (including themes: 1. compassionate and moral recitation promotion of moderate Islam; 2. effort for cultural convergence; 3. using scientific and university capacities; 4. Taking into consideration economic development; 5. strengthening sustainable security; 6. strengthening Islamic unity discourse and convergence in coping with extremism; 7. considering political development; 8. considering social development in Central Asia; 9. considering sustainable development in Iran, 10. 20 organized themes that finally lead to 120 basic themes bring about theoretical saturation.

Conclusion: This research indicates that using strategies and developmental strategies and special convergence diplomacy of the soft and cultural power of the most appropriate coping strategies with security threats of extremist Islamism in Central Asia has been with emphasis on the role of Iran. Finally, the presentation of proposals in the frame of suitable strategies for coping with security threats of extremist Islamism in Central Asia with consideration to the role of Iran are as follow:

1. Using all capacities for introducing and informing, regards moderate Islam and its distinction with radical Islam.
2. Laying the groundwork for strengthening cultural and historical aspects, which Iran shares with Central Asia.
3. Using all capacities in line with strengthening literal and art capacities, which Iran shares with central Asia.
4. Laying the groundwork and using all scientific and faculty capacities for strengthening relations and scientific, educational, and research exchange in Central Asia.
5. Laying the groundwork and using all capacities for strengthening economic relations with Central Asia.
6. Laying the groundwork for economic development in Central Asia.
7. Laying the groundwork and using all external and internal organizational capacities for the realization of sustainable security in the region.
8. Strengthening convergence and laying the groundwork for disputes settlement in the region.

9. Laying the groundwork for synergistic interaction in dealing with extremism in the region.

10. Laying the groundwork for support and assistant to political development in Central Asia.

11. Laying the groundwork for promotion of welfare and quality of social life and satisfaction of citizens in Central Asia.

12. Using all external and internal organizational capacities for economic qualitative and quantitative development.

13. Laying the groundwork for the development of public scope and civil society in the states of Central Asia.

14. Holding synergistic interaction between political players for détente in internal areas and foreign relations.

15. Laying the groundwork for promotion of welfare and social life quality and satisfaction of citizens in Iran.

Keywords: Central Asia, Confronting Strategies, Extremist Islamism, Iran, Threats.

طراحی و اعتبارسنجی مدل مطلوب راهکارهای مقابله با تهدیدهای امنیتی اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی، با تأکید بر نقش ایران^۱

مجتبی عباسی قادی*

دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم آکادمی تاجیکستان

محمد فرهادی

دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علوم آکادمی تاجیکستان

محسن دیانت

دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳)

چکیده

در این نوشتار در پی طراحی و اعتبارسنجی مدل مطلوب راهکارهای مقابله‌ای با تهدیدهای امنیتی اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی با تأکید بر نقش ایران هستیم. با کمک راهبرد پژوهش کیفی و از نوع تحلیل مضمون، داده‌های نوشتار از روی ۱۲ نفر از خبرگان حوزه مطالعات منطقه‌ای آسیای مرکزی که با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شده بودند، گردآوری و به اشباع نظری رسید. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون و از نوع شبکه مضمون به واسطه فرایند رمزگذاری نظری در جهت دستیابی به مضمون‌های پایه‌ای، سازمان‌یافته و فراگیر استفاده کرده‌ایم. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل مطلوب راهکارهای مقابله‌ای با تهدیدهای امنیتی اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی با تأکید بر نقش ایران از ۹ مضمون فراگیر شامل: ۱. ترویج خوانش‌رحمانی و اخلاقی اسلام میانه، ۲. تلاش در جهت همگرایی فرهنگی، ۳. استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی، ۴. توجه به توسعه اقتصادی، ۵. تقویت امنیت پایدار، ۶. تقویت گفت‌وگو و وحدت اسلامی و همگرایی در مقابله با تندروی، ۷. توجه به توسعه سیاسی، ۸. توجه به توسعه اجتماعی در آسیای مرکزی، ۹. توجه به توسعه پایدار در ایران و نیز ۲۰ مضمون سازمان‌یافته و ۱۲۰ مضمون پایه‌ای تشکیل شده است. برای اعتبارسنجی مضمون‌ها و مدل برساخته‌شده راهکارهای مقابله‌ای با تهدیدهای امنیتی اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی با تأکید بر نقش ایران از روش ارزیابی به شیوه ارتباطی و نیز روش تشخیص و برای پایایی سنجی از دو روش قابلیت تکرارپذیری و نیز قابلیت انتقال یا تعمیم‌پذیری استفاده شده است.

واژگان اصلی

آسیای مرکزی، اسلام‌گرایی تندرو، ایران، تهدیدها، راهکارهای مقابله.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه میان مؤلفه‌های توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گرایش به اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی با تأکید بر تهدیدهای امنیتی آن برای ایران» بوده است که نویسندگان مقاله در سال ۱۳۹۸ برای صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور وابسته به معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری انجام داده‌اند.

E-mail: mojtabaabbasighadi55@gmail.com

* نویسنده مسئول

مقدمه

در قلب اوراسیا منطقه وسیعی قرار دارد که قلمرو چندین کشور را شامل می‌شود؛ به معنای وسیع‌تر، اوراسیای مرکزی و در معنایی دقیق‌تر، آسیای مرکزی یا ترکستان نیز نامیده می‌شود. آنچه اهمیت منطقه را در سیاست جهانی نشان می‌دهد این است که منافع بزرگ‌ترین بازیکنان جهان در آسیای مرکزی متمرکز است. منطقه را می‌توان تا حدودی «مرکز» آینده ژئوپلیتیک و ثبات قاره آسیا برشمرد (Tuleev, 2016: 185). این منطقه با ۶۶ میلیون نفر جمعیت بازار مناسبی برای کالاهای صادراتی کشورهای تولیدکننده مانند چین به‌شمار می‌رود (Tarakanova, 2017: 160-164). منابع طبیعی در این منطقه از جمله نفت، گاز، انرژی برق‌آبی، اورانیوم، زغال سنگ، طلا، مس و آلومینیوم فراوان یافت می‌شود (Lopour, 2015: 1-2). همچنین آسیای مرکزی با قرارگرفتن در مرکز توجه واشینگتن، مسکو و پکن، از نظر همبستگی جهانی به منطقه منحصربه‌فردی تبدیل شده است (Rauf, 2017: 154-155). درست در نقطه مقابل این اهمیت، منطقه با بحران توسعه در ابعاد مختلف آن روبه‌رو است. در حوزه اقتصادی، منطقه با فقر، بیکاری، نداشتن آزادی اقتصادی، سرانه تولید ناخالص ملی، فساد اداری، نابهنجاری‌های اجتماعی و فردی، نداشتن احساس رضایت از زندگی، نبود کیفیت زندگی مناسب برای شهروندان، شکل‌نگرفتن حکومت دموکراتیک و مسائل دیگر روبه‌رو است. از نظر نبود توسعه سیاسی می‌توان به عامل‌هایی از جمله شکل‌نگرفتن حکومت دموکراتیک، نبود حکومت قانون، ذهنیت نداشتن از فساد، نبود دموکراسی و آزادی رسانه و نیز تضعیف نهادهای مدنی اشاره کرد. در حوزه فرهنگی و اجتماعی نیز می‌توان گفت نظام بهداشت و درمان نامناسب، نبود نیروی انسانی آموزش‌دیده و کارشناس، نرخ بالای بیماری‌های واگیردار و غیرواگیردار و همچنین ایدز به همراه نرخ بالای مرگ‌ومیر کودکان، نرخ پایین امید به زندگی که به‌طور میانگین بین ۶۴/۸ و ۶۷/۸ سال در کشورهای منطقه است در مقایسه با اروپای غربی که ۸۰/۴ سال است را می‌توان برشمرد (Diyanat & et al, 2019: 43-45). این موارد سبب شده است دولت‌های منطقه دو دسته کار انجام دهند: نخست، ایجاد تغییرهایی سریع و ناگهانی در جامعه، شهرنشینی و اقتصاد و دوم، در سال ۱۹۹۰ هرچند برخی از رژیم‌های آسیای مرکزی سطحی از آزادی‌های اجتماعی را در دسترس شهروندان خود قرار دادند، اما اکنون بدون ریشه‌کنی فقر گسترده، دستیابی به هدف‌ها و شاخص‌های قوی توسعه، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی مورد نظر در این کشورها دشوارتر از همیشه است؛ چرا که این کشورها باید میان بخش آموزش و شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جدید هماهنگی و سازگاری بیشتری ایجاد می‌کردند، اما با وجود تلاش‌های گسترده برای انجام اصلاحات در نظام آموزشی، کشورهای آسیای مرکزی نمی‌توانستند استانداردهای لازم را برای آموزش کودکان و جوانان فراهم کنند. همین موضوع‌ها

سبب بحران توسعه در این منطقه شده است. بنابر این با توجه به نبود توسعه فرهنگی و اجتماعی در کنار نارسایی‌های توسعه سیاسی و اقتصادی در کشورهای آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد شوروی که با خلأ قدرت و خلأ ایدئولوژیک روبه‌رو بوده است؛ مردم و روشنفکران در فکر مدلی برای جایگزین آن بوده‌اند. بنابر این ملی‌گرایی و اسلام دو بدیل برای پرکردن این خلأ معرفی می‌شوند. از دیدگاه مردم و نخبگان، بازگشت به هر کدام از این بدیل‌ها بازگشت به شکل‌های خویش‌شناسی و جست‌وجو در اصل خودشان است. ابتدا جنبش ملی‌گرایی در این منطقه مطرح بود که به علت تأثیرهای جهانی‌شدن، مشکلات اقتصادی، تأثیر نیروهای خارجی، توسعه‌نیافتگی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، ملی‌گرایی نتوانست جهت‌گیری ملی به خود بگیرد، بلکه در راستای حرکت‌های تندرو و بنیادگرایانه در قالب اسلام حرکت کرده است. به همین دلیل، این مسئله خود زمینه‌های مناسبی برای گسترش اسلام‌خواهی در منطقه فراهم کرده است. در حالی که خلأ بزرگی در زمینه دینی و مذهبی در میان بود و این مسئله، آسیب‌پذیری آن‌ها در گرایش به اسلام اصیل را به نمایش گذاشته بود. بنابراین زمینه مناسبی برای گسترش اسلام‌گرایی تندرو در منطقه فراهم شد. در نتیجه، روند گرایش به اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی خطری جدی نه تنها برای ایران بلکه برای کل منطقه و امنیت جهانی برآورد می‌شود.

دو دلیل ضرورت بررسی موضوع این نوشتار را نشان می‌دهد: نخست، گسترش اسلام‌گرایی در منطقه نه تنها تهدیدهای زیادی برای کشورهای منطقه دارد، بلکه منافع ملی ایران را با تهدید روبه‌رو خواهد کرد. بنابراین بررسی این موضوع می‌تواند به ایران در جهت ابتکار عمل لازم برای تبدیل تهدیدها به فرصت یا دست‌کم تعدیل آن‌ها کمک کند؛ دوم، آگاهی از تهدید اسلام‌گرایان تندرو در منطقه، ایران را به سوی ارائه راهبردهای مناسب پیش خواهد برد. از این دیدگاه در این نوشتار می‌خواهیم با انجام مطالعه‌ای کیفی به طراحی و اعتبارسنجی مدل مطلوب راهکارهای مقابله با تهدیدهای امنیتی اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی با تأکید بر نقش ایران پردازیم.

پیشینه پژوهش

گالیم ژوسیپیک (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «اسلام سیاسی در آسیای مرکزی: ۲۵ سال پس از استقلال»^۱ اسلام سیاسی در آسیای مرکزی را بررسی می‌کند. او در این مقاله بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و هویتی ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی را مهم‌ترین دلیل‌های گسترش اسلام‌گرایی در این منطقه می‌داند. ام. اس. تولیف^۲ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان:

1. Political Islam in the Central Asian Context: After 25 years of Independence
2. M. C. Тулеев

«آسیای مرکزی: افغانستان و جنبه‌های کنونی جغرافیای سیاسی» با رویکردی توصیفی و تحلیلی اهمیت آسیای مرکزی در سیاست خارجی قدرت‌ها و رابطه جغرافیایی آسیای مرکزی با افغانستان در دو حوزه تروریسم و مواد مخدر را بررسی می‌کند. دهشیری و جوزانی کهن (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «شبکه سلول‌های تروریستی داعش در آسیای مرکزی» با روش توصیفی و تحلیلی، بررسی کرده‌اند که داعش با انتشار پیام‌های تبلیغی خود در بستر فضای مجازی به جذب و آموزش نیرو و ایجاد شبکه‌ای از سلول‌های تروریستی در آسیای مرکزی اقدام کرده است.

مجیدی و باقری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «زمینه‌های پیدایش و رشد تندروی در آسیای مرکزی: مطالعه موردی داعش» با روش توصیفی و تحلیلی این موضوع را بررسی می‌کنند. آن‌ها مواردی مانند نبود دموکراسی و حقوق شهروندی، تحجر و واپس‌گرایی را عامل پیدایی و بروز این جریان می‌دانند. اخوان کاظمی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل زمینه‌های سیاسی- اجتماعی حضور داعش در آسیای مرکزی: از تهدید نفوذ تا واقعیت حضور»، با روش توصیفی و تحلیلی بررسی می‌کنند؛ اگرچه دو کشور سوریه و عراق جولانگاه داعش بوده‌اند، اعضای این گروه شهروندانی از کشورهای مختلف بوده‌اند که داعش از مناطق مختلف جهان از جمله آسیای مرکزی یارگیری کرده است. آن‌ها آسیای مرکزی را به دلیل‌هایی مانند فعالیت حزب‌های بنیادگرا، نفوذ تفکر تندرو و نیز مشکلات اساسی داخلی در این کشورها زمینه‌ساز رشد و گسترش گروه‌های تندرو ارزیابی کرده‌اند.

به‌طور کلی مروری بر مطالعات انجام‌شده در مورد این موضوع نشان می‌دهد که آن‌ها از جنبه‌های مختلفی به منطقه توجه داشته‌اند. برخی مطالعات همچون مقاله تالیف (۲۰۱۶) به اهمیت ژئوپلیتیک آسیای مرکزی در حوزه‌های تروریسم، مواد مخدر و اقتصادی پرداخته‌اند. برخی مانند گالیم ژوسیبیک (۲۰۱۷)، اخوان کاظمی و همکاران (۱۳۹۷)، مجیدی و باقری (۱۳۹۷)، دهشیری و جوزانی کهن (۱۳۹۲) به سبب‌شناسی علت‌های تأثیرگذار بر گسترش اسلام‌گرایی تندرو در منطقه آسیای مرکزی پرداخته‌اند. در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت پژوهش‌های انجام‌شده در دو بخش داخلی و خارجی با توجه به رویکرد پژوهشی خود به جنبه‌هایی از سبب‌شناسی موضوع توجه کرده‌اند. ولی راهکارهای مقابله‌ای در برابر تهدیدهای اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی با تأکید بر نقش ایران به‌ویژه از دیدگاه رویکرد کیفی را ارائه نکرده‌اند؛ موضوعی که در این نوشتار در پی بررسی آن هستیم.

رشد اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی

بنیادگرایی اسلامی گفتمانی است که در مورد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است. این گفتمان مدعی است اسلام در مورد دولت و سیاست نظریه سیاسی دارد. از

این‌رو، میرسکی بر این باور است که «اسلام‌گرایی نوعی جنبش سیاسی براساس ایدئولوژی تندرو است و بنیادگرایی از ضرورت‌های اساسی آن به‌شمار می‌رود» (Grinin and Korotayev, 2019: 61-66). از دیدگاه این گفتمان بازگشت به اسلام به‌عنوان تنها راه‌حل بحران‌ها و چالش‌های معاصر برآورد می‌شود. هدف اساسی این گفتمان بازسازی جوامع اسلامی بنا بر اصول بنیادین اسلامی است. در این زمینه به‌دست‌آوردن قدرت سیاسی مهم‌ترین دغدغه متفکران و معتقدان به آن برای دستیابی به هدف‌ها دانسته می‌شود (Azizkhani, 2009: 62). پس از فروپاشی اتحاد شوروی که مانع بزرگی در برابر گسترش فعالیت‌های دینی در سراسر آسیای مرکزی بود، اسلام به عنصری قابل ملاحظه در هویت‌سازی ساکنان آسیای مرکزی، به‌ویژه نسل جوان تبدیل شده است. مجموعه شرایط متنوعی سبب شدند در کنار گسترش اسلام، تهدید تندروی‌گرایی و تروریسم نیز نهادینه شود. گسترش ایده‌های رادیکال از دهه ۱۹۹۰ سبب شده است تا خوانش‌های میانه‌رو از اسلام که در منطقه آسیای مرکزی بیشتر مبتنی بر اسلام سنتی هستند به کنار رانده شوند (Heathershaw and Montgomery, 2015: 8-10). عامل‌هایی همچون فشارهای دولتی در کنار اوضاع نابسامان اقتصادی، فساد گسترده اداری، فساد مقام‌های محلی، زیرساخت‌های نامناسب و مسائلی دیگر سبب تقویت گرایش‌های تندرو در میان قشرهای بزرگی از ساکنان آسیای مرکزی و به‌ویژه قشر جوان این منطقه شد که به‌واسطه شرایط نامساعد به حاشیه رانده شده بودند (Mahnovski and Others, 2006: 9-15)؛ چرا که بی‌ثباتی در منطقه، ضریب خطر سقوط حکومت‌های موجود و روی کارآمدن حکومت‌های تندرو در این کشورها را افزایش داد و این کشورها را به پناهگاه امنی برای فعالیت تروریست‌ها و جدایی‌طلبان تبدیل کرد (Keivan Hosseini and Omrani Manesh, 2018: 458). درک‌پذیر است که در رژیم‌های اقتدارگرای آسیای مرکزی، برای جلوگیری از رقابت در حوزه سیاسی از گسترش گروه‌ها و جنبش‌های اسلام‌گرا جلوگیری کنند. سرکوب این گروه‌ها و جنبش‌ها سبب شده است بسیاری از آن‌ها به فعالیت‌های زیرزمینی و مسلحانه روی آورند و بسیاری از پیروانشان نیز به گروه‌های بنیادگرا و تندرو در منطقه خاورمیانه بپیوندند (Zhussipbek, 2017: 91-92). به‌ویژه آنکه با افول داعش در سوریه، عراق و افغانستان، پاکستان و منطقه آسیای مرکزی در مرکز توجه گروه تروریستی داعش قرار گرفته است (Fatemi Nejad, 2020: 192).

مبانی نظری

در این نوشتار برای تبیین نظری سبب‌شناسی و نیز راهکارهای مقابله‌ای با تهدیدهای اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی از رویکرد تلفیقی استفاده کرده‌ایم. بدین ترتیب:

۱. تبیین نظری سبب‌شناسی تهدیدهای اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی

الف) هانتینگتون و نظریه توسعه سیاسی

هانتینگتون مفهوم توسعه سیاسی را براساس میزان صنعتی‌شدن، تحرک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی ارزیابی کرده و بر این باور است که در فرایند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و داشتن نقش‌های جدیدتر پدیدار می‌شوند. در نتیجه، نظام سیاسی باید از ظرفیت‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد. در غیر این صورت نظام با بی‌ثباتی، اقتدارگرایی و نابودی سیاسی روبه‌رو خواهد شد و امکان دارد پاسخ جامعه به این نابسامانی‌ها انقلابی باشد (Ghavam, 2005: 10-11).

هانتینگتون در مقایسه دو نوع جامعه سنتی و مدرن به این مسئله می‌رسد که بی‌ثباتی در جامعه‌ای رخ می‌دهد که تقاضای مشارکت سیاسی افزایش یافته باشد، اما نهادهای سیاسی جامعه توان پاسخ‌گویی به این نیاز را نداشته باشند. مسئله‌ای که در جوامع در حال‌گذار رخ می‌دهد (Moshirzadeh, 1996: 10-50). زیرا ممکن است نوسازی سیاسی انجام نشود و گروه‌های نوپدید جذب نظام نشوند، این گروه‌ها دچار سرخوردگی شوند و ضمن ناامیدی از امکان فعالیت سیاسی در قالب راه‌های قانونی و رسمی، خارج از نهادهای موجود کنش‌های خود را سامان می‌دهند. بنابراین توسعه سیاسی بیرونی شکل می‌گیرد که به بی‌ثباتی به انواع راه‌های کودتا، شورش، طغیان، جنگ استقلال‌طلبانه و انقلاب منجر می‌شود (Moshirzadeh, 1996: 10-50). از این دیدگاه می‌توان، پیدایی بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی را بازتاب نبود نوسازی سیاسی در این منطقه دانست.

ب) نظریه‌های فشار و گرایش به سوی اسلام‌گرایی تندرو

نظریه‌های فشار اجتماعی در پاسخ به این پرسش که چرا افراد دست به کج‌رفتاری می‌زنند؟ بیان می‌کند عامل‌هایی در جامعه برخی از مردم را زیر فشار قرار می‌دهند و آنان را مجبور به کج‌رفتاری می‌کنند (Sedigh Sarvestani, 2007: 44). در ادامه به هر یک از این نظریه‌ها در چارچوب رویکرد نظری فشار اجتماعی می‌پردازیم:

- نظریه فشار عمومی رابرت اگنیو

نظریه عمومی فشار رابرت اگنیو، نه ساختاری است و نه فردی. این نظریه رخداد جرم و بزهکاری را تبیین می‌کند که ناشی از فشاری است که فرد در زندگی با آن روبه‌رو می‌شود (Alivardinia, 2011: 99-98). برخلاف نظریه‌های پیشین فشار که فقط بر فشار اقتصادی متمرکز بودند؛ اگنیو به پیچیده‌بودن منبع فشار در جامعه مدرن تأکید دارد. او در نظریه فشار عمومی این سه منبع اصلی فشار را بیان می‌کند: ۱. فشار ایجادشده به‌واسطه

دست‌نیافتن به هدف‌های ارزشمند مثبت، ۲. فشار در نتیجه حذف انگیزه‌های ارزشمند مثبت از افراد، ۳. فشار در نتیجه وجود انگیزه‌های منفی (Alivardinia, 2011: 99-98). بنا بر گفته‌های اگنیو، هر نوع فشار احتمال دچار شدن به احساسات و عواطفی منفی مانند ناامیدی، افسردگی، ترس و از همه مهم‌تر خشم را افزایش می‌دهد. این مسئله احساس بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد و تمایل به انتقام را به وجود می‌آورد و افراد را برای عمل کردن برمی‌انگیزد (Diyanat and Others, 2018: 105).

– **نظریه احساس بی‌سازمانی اجتماعی مرتن:** مرتن، سه عامل را به‌عنوان عناصر تشکیل‌دهنده ساختار فرهنگی هر جامعه مورد توجه قرار می‌دهد و اثرگذاری آن‌ها بر شکل‌گیری کج‌رفتاری را بررسی می‌کند: ۱. هدف‌های فرهنگی، ۲. قواعد رفتار اجتماعی، ۳. توزیع واقعی امکانات و فرصت‌ها (وسایل و ابزارها) (Salimi and Delavari, 2007: 328-329). در نگاه مرتن، گسستگی میان هدف‌ها و وسایل نهادینه‌شده موجب کج‌روی افراد می‌شود. او مدعی است پیامدهای این گسستگی و جدایی، موجب ضعف تعهد فرد (گاه نسبت به هدف‌ها و گاه نسبت به وسایل نهادی‌شده) می‌شود و او را در وضعیت بی‌هنجاری قرار می‌دهد. مرتن بر پایه واکنش‌های گوناگون افراد به هدف‌ها و وسایل فرهنگی پنج نوع آرمانی ساخت که جزء نوع اول که هم‌همنوآگرایان نامیده می‌شوند، چهار نوع دیگر یعنی: مناسک‌گرایان، نوآوران، واگرایان و طغیان‌گران (عصیان‌گرایان)، ناپهنجار (منحرف) برآورد می‌شوند (Kivisto, 2007: 148). از این دیدگاه، پیوستن به گروه‌های اسلام‌گرای تندرو و انجام اعمال خشونت‌آمیز در قالب دگرکشی و تخریب اموال را می‌توان در زمره طغیان‌گرانی قرار داد که ابزار و هدف‌های فرهنگی جامعه را قبول ندارند. آن‌ها ابزار و هدف‌های جدیدی را جایگزین می‌کنند.

– **نظریه احساس محرومیت نسبی پیتر و جودیت بلاو:** محرومیت نسبی به‌عنوان برداشت بازیگران از وجود اختلاف میان انتظاراتی ارزشی و توانایی‌های ارزشی‌شان تعریف می‌شود. به بیان دقیق‌تر، انتظاراتی فزاینده و شکاف میان وضع موجود و وضع مطلوبی که فرد انتظار داشتنش را دارد؛ پیش‌برنده فرد به‌سوی احساس محرومیت نسبی برآورد می‌شود (Garted, 1998: 54). نظریه‌پردازان این نظریه معتقدند که مردم دست به مقایسه میان خود و امکانات طبقه بالاتر می‌زنند و از این نظر محرومیت نسبی برای همه به‌وجود می‌آید و دست‌زدن به اعمال غیرقانونی برای رسیدن به سطح بالاتر را محتمل می‌سازد (Mohseni Tabrizi, 2008: 78-83). در این زمینه می‌توان توزیع نامناسب درآمد و تفاوت به‌نسبت زیاد در سطح زندگی گروه‌های مختلف مردم در یک جامعه را از مهم‌ترین علت‌های بروز کج‌روی، از جمله گرایش به رفتارهای پرخاش‌جویانه در قالب پیوستن به گروه‌های تندرو برشمرد (Diyanat and Others, 2018: 106). از این دیدگاه، محرومیت اقتصادی سبب

جذابیت وعده‌ها و امکانات اقتصادی سازمان‌های تروریستی برای افراد فقیر و تسهیل‌کننده جذب آن‌ها می‌شود؛ محرومیت اقتصادی به تندروری و سربازگیری برای جنبش‌های تروریستی منجر می‌شود. البته این قاعده همواره درست نیست و گاه برخی از حامیان داعش از طبقات متوسط و بالای جامعه هستند (Fatemi Nejad, 2020: 192).

۲. تبیین نظری مقابله با تهدیدهای اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی

الف) دیپلماسی فرهنگی و مقابله با تهدیدهای اسلام‌گرایی تندرو

دیپلماسی فرهنگی امروزه اهمیت زیادی در تأمین منافع بلندمدت و امنیت ملی کشورها داشته و سبب بهبود جایگاه ملی، تأثیر و نفوذ در افکار عمومی و گسترش مبادلات و ارتباطات فرهنگی در کشورها شده است (Abolhassan Shirazi and Majidi, 2017: 10). با توجه به آنچه گفتیم می‌توانیم در تعریف دیپلماسی فرهنگی بگوییم «دیپلماسی فرهنگی را برنامه‌ریزی راهبردی و اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اطلاع‌رسانی یک کشور برای افکار عمومی در کشور هدف تعریف می‌کنند» (Hadian and Ahadi, 2009: 91). آنچه این نوع از دیپلماسی را برجسته می‌کند روبه‌رو شدن با مقاومت کمتر در جوامع و کشورهای مقصد، جذاب بودن دیپلماسی فرهنگی از لحنی خصمانه و آمرانه در کنار جذابیت‌های بیشتر و نامحسوس، فرصت بهتر برای حضور جدی‌تر و فرصت بیشتری برای داشتن نقش مؤثرتر توسط بازیگران غیررسمی، نهادهای مدنی و اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی و برخورداری از انعطاف‌پذیری در حوزه‌های طراحی و اجراست (Azizkhani, 2009: 139-138). بنابر این درپیش‌گرفتن دیپلماسی فرهنگی و تأکید بر جنبه‌های فرهنگی، آموزشی و آگاهی‌بخشی نسبت به اسلام رحمانی و منعطف در منطقه می‌تواند راهگشا باشد.

- **قدرت نرم و مقابله با تهدیدهای اسلام‌گرایی تندرو:** جوزف نای در کتاب خود با عنوان «قدرت نرم: ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی» به این موضوع اشاره می‌کند که قدرت نرم یک کشور در مقابل قدرت سخت قرار می‌گیرد و برخلاف قدرت سخت، قدرت نرم بر اقناع تأکید دارد و در پی جذب دیگران از راه جذابیت است (Esnay, 2008: 100-103). مفروض قدرت نرم این است که بازیگران باید توانایی جذب دیگران به سوی دیدگاه خاص خود را که مشروع و معتبر برآورد می‌شود، داشته باشند. اگر بازیگری بتواند دیگران را به دیدگاه خود جذب کند؛ نیاز به استفاده از منابع پرهزینه‌تر و قدرت سخت کاهش خواهد یافت. موازنه نرم از سه منبع شامل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی نشأت می‌گیرد. این عامل‌ها ایجادکننده یا تقویت‌کننده این نوع قدرت هستند: موقعیت ایدئولوژیک، ارتباطات دیپلماتیک مناسب و گسترده، روابط و مبادلات فرهنگی، ترویج زبان و ادبیات، تبلیغ آرمان‌ها، ارزش‌ها و هدف‌های متعالی، ارائه تصویر مثبت و مطلوب از خود، بهره‌گیری مناسب

از اطلاعات و فرهنگ در راستای هدف‌های دیپلماتیک، طراحی و به‌کارگرفتن سیاست‌های راهبردی پذیرفته‌شده، زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی، مبادلات دانشگاهی و سرمایه‌گذاری در تربیت نخبگان دیگر کشورها (Esnay, 2008: 64). بنابراین درپیش‌گرفتن قدرت نرم در مقابل اسلام‌گرایی تندرو در منطقه نسبت به قدرت سخت و خصمانه در منطقه می‌تواند اثربخشی بیشتر و بهتری داشته باشد.

همگرایی و مقابله با تهدیدهای اسلام‌گرایی تندرو: همگرایی به‌عنوان یک نظریه را نخستین بار دیوید میترا نی پژوهشگر انگلیسی در سال‌های میان دو جنگ جهانی و بعدها کارل دوپیچ مطرح کردند. بنا بر نظریه میترا نی، پیچیدگی روزافزون نهادهای حکومت از اهمیت کارشناسان سیاسی و سیاست‌مداران کاسته و در عوض کفه را به‌سود کارشناسان فنی که با کارهای سیاسی سروکار چندانی ندارند، سنگین کرده است. میترا نی معتقد است تقسیم جهان بین دولت‌هایی که منافع متضاد دارند، تنها به بحران و جنگ می‌انجامد. به نظر او ایجاد شبکه گسترده‌ای از سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی که زمینه‌ساز همگرایی بین‌المللی هستند؛ بهترین راه برای مقابله با وضعیت بحران‌آمیز است (Dogherty and Pfaltzgraff, 1971: 281). کارل دوپیچ در رابطه با همگرایی مسئله مهمی را مطرح می‌کند که بسیار گویاست. به گفته او ارتباطات نقش بزرگی در نزدیکی جوامع بازی می‌کنند، بنابراین هر چه ارتباطات در زمینه‌های حمل‌ونقل، گردشگری، روابط پستی، تجارت و مهاجرت بیشتر باشد، این جامعه‌ها بیشتر به هم نزدیک می‌شوند و به‌جای منازعه به همکاری روی می‌آورند و جامعه‌های امنیتی را تشکیل می‌دهند. بنابراین با گسترش همه‌جانبه ارتباط‌ها همگرایی به نتیجه می‌رسد.

همگرایی ممکن است هم به‌صورت یک فرایند و هم به‌صورت یک هدف مورد مطالعه قرار گیرد. به‌عنوان یک فرایند، حرکتی است در راستای افزایش همکاری میان دولت‌ها و انتقال تدریجی اقتدار به نهادهای فراملی. به‌عنوان یک هدف، اقدامی است در راستای همگون‌سازی تدریجی ارزش‌ها و سرانجام پیدایی جامعه مدنی جهانی (Ghavam, 2005: 43). بر پایه این رویکرد نظری می‌توانیم بگوییم که زمینه‌سازی در راستای ایجاد سازمان‌های همکاری‌های مختلف به‌ویژه سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی در منطقه می‌تواند سبب ارتباطات و نزدیکی بیشتر کشورهای منطقه شود. این مسئله وزنه قدرت را به سود کشورهای منطقه در مقابله با اسلام‌گرایی تندرو به‌واسطه ایجاد جامعه‌های امنیتی سنگین‌تر خواهد کرد.

توسعه اجتماعی و مقابله با تهدیدهای اسلام‌گرایی تندرو: توسعه اجتماعی در منابع موجود با تعریف‌های متفاوتی به‌کار رفته است که معرف رویکردهایی گوناگون‌چون رهیافت‌های عام و خاص و همچنین تقسیم‌بندی ایدئولوژیک توسعه اجتماعی براساس دیدگاه‌های رفاه‌گرا و

مارکسی است. برای نمونه، نظریه پردازان رفاه‌گرا، به اصل کلی توسعه اجتماعی در حرکت به سوی کیفیت بهتر زندگی، اعتقادی راسخ دارند. سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد با استناد به گزارش‌های توسعه انسانی و اجتماعی، هدف نهایی توسعه را ارائه فرصت‌های مناسب به مردم برای زندگی بهتر از راه دسترسی به تسهیلات آموزشی، بهداشتی، رفاهی، تغذیه، مسکن، اشتغال و مانند آن می‌دانند (Azad Armaki and Others, 2012: 10). همچنین براساس تعریف بانک جهانی «توسعه، به‌ویژه توسعه اجتماعی، به مردم، آسایش، رفاه و بهبودی، شکوفاشدن قابلیت‌هایشان و تکوین جامعه مدنی از سوی آن‌ها مربوط است» (Babaie Fard, 2010: 10-11). در مقابل این دیدگاه، دیدگاه‌های مارکسی بر ارزش‌های مبتنی بر مساوات اجتماعی در بحث توسعه اجتماعی تأکید کرده‌اند. علاوه بر آن، دونگ کیم، توسعه اجتماعی را درجه‌ای از ساختار اجتماعی می‌داند که به اکثریت مردم محروم جامعه نه تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از منابع ملی را می‌دهد؛ بلکه در جهت رسیدن به آن هدف، آن‌ها را یاری می‌کند (Azad Armaki and Others, 2012: 11).

سند کپنهاک نیز در سال ۱۹۹۵ به‌عنوان اولین دستور عمل جهانی در مورد توسعه اجتماعی مرزهای مشخصی را در مورد مفهوم توسعه اجتماعی تعیین و تبیین کرده است که رویکرد عدالت‌محوری و از میان بردن فقر و ایجاد فرصت‌های برابر و در بیانیه ژنو رعایت حقوق بشر و سرمایه‌گذاری در بخش‌های اجتماعی و آموزش شهروندی از وظایف مهم دولت‌ها برشمرده شده است (Zahedi Mazandarani, 2007: 257). بنابر این با توجه به رویکردهای نظری مرتبط با توسعه اجتماعی می‌توانیم بگوییم که توسعه‌یافتگی اجتماعی کشورهای آسیای مرکزی از نظر برآورده شدن نیازهای اولیه شهروندان، دسترسی شهروندان به مبانی بهزیستی و دسترسی شهروندان به فرصت‌های برابر، زمینه را برای انجام تبلیغات و عضوگیری اسلام‌گرایی تندرو در منطقه کاهش می‌دهد.

جمع‌بندی مبانی نظری

بررسی مبانی نظری نشان می‌دهند که عامل‌هایی از جمله توسعه‌نیافتگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در گرایش مردم منطقه به گروه‌های تندرو تأثیرهای فراوانی داشته‌اند؛ چرا که وجود فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر افراد و نیز محدودیت در راه رسیدن به هدف‌های نهادینه‌شده نظام اجتماعی را در گرایش افراد به کج‌رفتاری (در اینجا اعمال پرخاش‌جویانه در پیوستن به گروه داعش) مؤثر می‌دانند.

شایان توجه اینکه یکی از فشارهای وارد شده بر افراد، فشارهای اقتصادی است. از این رو، از آنجا که ابزار لازم برای دسترسی به هدف‌های مورد نظر در اختیار همه افراد جامعه قرار نمی‌گیرد؛ در نتیجه، آن‌ها احساس محرومیت نسبی می‌کنند و آمادگی لازم را برای پرداختن به اعمال کج‌روانه خواهند داشت. توضیح بیشتر آنکه فعالیت و مبارزه گروه‌های مذهبی - تندرو بر مبنای منافع اقتصادی و مادی قرار دارد. مشکلات و نارسایی‌های اقتصادی، پیشینه تاریخی ملت‌های ساکن منطقه و موقعیت مناسب جغرافیایی برخی از مناطق آسیای مرکزی برای انجام فعالیت‌های تندرو مذهبی سبب گسترش تندروی‌گرایی مذهبی در این منطقه شده است. با توجه به این عامل‌ها بسیاری از تحلیلگران رشد اسلام‌گرایی تندرو در منطقه را بیش از آنکه نتیجه تبلیغات گروه‌های خارجی بدانند، ناشی از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورهای آسیای مرکزی می‌دانند. در تحلیل نهایی می‌توانیم بگوییم توسعه نیافتگی منطقه آسیای مرکزی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سبب شده است ایدئولوژی اسلامی نه از روی نسبت قومی افراد، بلکه همچون نیروی متحدکننده در کشورهای آسیای مرکزی با استقبال روبه‌رو شود و مانند واسط به تنظیم کردن روابط بین اقوام بپردازد. بنابر این به مرور زمان جنبش‌های اسلامی کم‌کم رنگ ملی خود را از دست دادند و بیشتر جهت‌گیری اسلامی به خود گرفتند. شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رو به بدتر شدن در منطقه آسیای مرکزی و ناتوانی دولت‌مردان این منطقه در جهت رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی همراه با سرکوب شدید به تقویت روند اسلام‌گرایی در منطقه افزود. این شرایط در آسیای مرکزی وضعیتی را پدید آورده است که در آن گروه‌های بنیادگرای اسلامی توانستند با تبلیغات چندلایه و گسترده، مردم سرخورده و مورد تبعیض قرار گرفته منطقه را جذب کنند. بنابراین برای مقابله با اسلام‌گرایی تندرو در منطقه ضمن توجه به مؤلفه‌های توسعه‌ای به‌ویژه توسعه اجتماعی با رویکرد عدالت محوری و از میان بردن فقر و ایجاد فرصت‌های برابر، درپیش‌گرفتن قدرت نرم و به‌ویژه دیپلماسی فرهنگی به‌وسیله اقدام‌های فرهنگی و همچنین تأکید بر همگرایی بین کشورهای منطقه با ایجاد سازمان‌های همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی و نیز تشکیل جامعه‌های امنیتی بین کشورهای منطقه برای مقابله با اسلام‌گرایی تندرو می‌تواند مؤثر باشد.

روش پژوهش

این نوشتار از نظر ماهیت داده‌ها در شمار طرح پژوهشی کیفی و از نوع تحلیل مضمون است. جامعه آماری نوشتار خبرگان دانشگاهی و اجرایی در رشته مطالعات منطقه‌ای آسیای مرکزی است که با روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شده‌اند. بنابراین داده‌های نوشتار پس از انجام

مصاحبه نیمه ساخت یافته (نیمه استاندارد) با ۱۲ خبره به حالت اشباع نظری رسید و انجام مصاحبه متوقف شد. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون و از نوع شبکه مضمون (برای نشان دادن ارتباط و وابستگی مضمون‌ها) به واسطه انجام فرایند رمزگذاری نظری در سه مرحله رمزگذاری باز، محوری و انتخابی (گزینشی) با هدف کشف و شناسایی مضمون‌های پایه، سازمان یافته و فراگیر در جهت طراحی مدل مطلوب راهکارهای مقابله‌ای با تهدیدهای امنیتی اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی با تأکید بر نقش ایران استفاده شده است.

برای اعتبارسنجی (قابلیت اطمینان و باورپذیری) یافته‌های کیفی (مضامین و مدل برساخته شده) از دو روش ارزیابی اعتبار به شیوه ارتباطی که به معنای مراجعه به مشارکت‌کنندگان (در اینجا مصاحبه‌شوندگان) است (Felik, 2006: 415) و نیز روش تشخیص (مراجعه به خبرگان و ارزیابان) استفاده شده است. همچنین برای پایایی سنجی (قابلیت اعتماد) مضمون‌ها از دو روش قابلیت تکرارپذیری و نیز قابلیت انتقال یا تعمیم‌پذیری استفاده شده است. قابلیت تکرارپذیری به واسطه روش ضریب توافق درونی بین دو رمزگذار (پژوهشگر با پژوهشگر همکار) در رابطه فرایند رمزگذاری گفته می‌شود (Saroukhani, 2008: 289). ناهماهنگی‌های به وجود آمده با بازنگری در فرایند رمزگذاری داده‌ها برطرف شده است. همچنین برای قابلیت انتقال یا تعمیم‌پذیری تلاش کردیم نمونه‌گیری نظری به صورت منظم و جامع صورت گیرد. از این رو، از صاحب‌نظران مختلف دانشگاهی و اجرایی مرتبط با موضوع در پژوهش استفاده کردیم (Astraus and Karbin, 2018: 284-283).

یافته‌های پژوهش

برای تحلیل داده‌های کیفی از تحلیل مضمون و از میان روش‌های مختلف تحلیل مضمون از روش شبکه مضمون‌ها استفاده کرده‌ایم. در تعریف مضمون می‌توان گفت: «مضمون الگویی است در داده‌ها که به توصیف، سازماندهی مشاهده‌ها و تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. این روش، واحدی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های متنوع و پراکنده را به داده‌های فنی و تفصیلی تبدیل می‌کند» (Abedi Jafari and Others, 2011: 153). تحلیل مضمون به روش‌های مختلف صورت می‌گیرد که در این نوشتار از شبکه مضمون (برای نشان دادن ارتباط و وابستگی مضمون‌ها) استفاده کرده‌ایم. شبکه مضمون‌ها^۱ روشی در تحلیل مضمون است که آتراید استیرلینگ (۲۰۰۱) آن را گسترش داده است. برای دستیابی به شبکه مضمون‌ها باید این مراحل انجام شود: الف) کشف مضمون‌های اصلی و (شناسه‌ها و نکته‌های اصلی متن)، ب) کشف مضمون‌های سازمان یافته (مضمون‌های به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضمون‌های پایه‌ای) و ج) کشف مضمون‌های

فراگیر (مضمون‌های عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل). بعد از طی این مراحل، مضمون‌های به‌دست‌آمده به‌صورت نقشه‌های شبکه و ب ترسیم می‌شوند که در آن مضمون‌های برجسته همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود. مضمون‌های فراگیر در کانون شبکه مضمون قرار می‌گیرد؛ مضمون‌های سازمان‌یافته واسط مضمون‌های فراگیر و مضمون‌های پایه‌ای شبکه است (Abedi Jafari and Others, 2011: 170). در ادامه داده‌های کیفی مصاحبه نیمه ساخت‌یافته (نیمه استاندارد) با خبرگان را تحلیل می‌کنیم. برای جلوگیری از طولانی شدن سخن از گزاره‌های خبری که مضمون‌های پایه از آن منتج شده‌اند؛ دوری شده است:

جدول ۱. فرایند رمزگذاری باز، محوری و گزینشی در راستای دستیابی به مضمون‌های مربوط با راهکارهای مقابله با تهدیدهای امنیتی گسترش اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی با تأکید بر نقش ایران

رمزگذاری باز (کشف مضمون‌های پایه)	رمزگذاری محوری (کشف مضمون‌های سازمان‌یافته)	رمزگذاری گزینشی (کشف مضمون‌های فراگیر)
تمایز اسلام‌گرایی تندرو از اسلام‌گرایی معتدل	آگاهی بخشی نسبت به اسلام تندرو و جدایی آن با اسلام میانه‌رو	ترویج خوانش رحمانی و اخلاقی اسلام مرکزی در آسیای مرکزی
بالا بردن آگاهی‌های شهروندان نسبت به ماهیت جریان تندرو		
شناسایی ماهیت و جدایی گروه‌های اسلام‌گرا از اسلام‌گرایی معتدل		
تلاش برای جدا کردن اسلام تندرو و میانه‌رو		
آگاهی دادن نسبت به اسلام معتدل	معرفی اسلام معتدل و میانه‌رو	
ترویج اسلام میانه‌رو در آسیای مرکزی		
معرفی اسلام معتدل در مقابل جریان تندرو		
معرفی و تقویت اسلام معتدل در آسیای مرکزی		
تقویت گفت‌وگوهای اسلامی میانه‌رو برای تنش‌زدایی قومی	تقویت جنبه‌های فرهنگی و تاریخی مشترک	تلاش برای همگرایی فرهنگی در آسیای مرکزی
تقویت روابط فرهنگی با آسیای مرکزی		
پذیرش جنبه‌های فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی		
تقویت جنبه‌های فرهنگی و تاریخی مشترک		
گسترش محافل فرهنگی در آسیای مرکزی		
تلاش برای برگزاری همایش‌ها در مورد جنبه‌های فرهنگی و تاریخی مشترک		
تقویت طرح نوروژ و گردشگری		
تقویت مناسبات فرهنگی با آسیای مرکزی		

تکریم مشاهیر تأثیرگذار در آسیای مرکزی	توجه و تقویت ظرفیت‌های ادبی و هنری مشترک	
استفاده از ظرفیت زبان تاجیکی برای تقویت روابط فرهنگی		
تلاش در جهت بزرگداشت اندیشمندان اسلامی - ایرانی در آسیای مرکزی		
تقویت و ترویج موسیقی اصیل در منطقه		
تقویت روابط رسانه‌ای میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی		
تقویت محافل ادبی مشترک		
توجه به مؤلفه فرهنگی زبان و ادبیات فارسی		
تلاش برای تقویت زبان فارسی در آسیای مرکزی		
تقویت ادبیات و زبان فارسی در هم‌افزایی با منطقه		
تقویت و گسترش همکاری‌های علمی و فرهنگی	تقویت روابط و تبادل علمی، آموزشی و پژوهشی	استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی
تقویت تبادلات استاد و دانشجو با کشورهای آسیای مرکزی		
تقویت مناسبات علمی و آموزشی		
انتقال تجربه‌های آموزشی به‌واسطه فرستادن کارشناسان به آسیای مرکزی		
توسعه مناسبات علمی و پژوهشی در منطقه آسیای مرکزی	توجه به مسائل آموزشی شهروندان	
توجه به مسائل آموزشی شهروندان		
کمک به حل مشکلات اقتصادی منطقه	کمک اقتصادی برای رشد اقتصادی آسیای مرکزی	توجه به توسعه اقتصادی در آسیای مرکزی
ایجاد راهروی شمال - جنوب		
کمک به دسترسی آسیای مرکزی به آب‌های آزاد از سوی ایران		
کمک ایران به توسعه اقتصادی آسیای مرکزی در سایه دسترسی به آب‌های آزاد		
استفاده ایران از ظرفیت اقتصادی‌اش برای کمک به آسیای مرکزی		
توسعه سیاست‌های اقتصادی با آسیای مرکزی		
تلاش در تأثیرگذاری اقتصادی در منطقه		
کمک به حل مشکلات اقتصادی منطقه		
ظرفیت‌سازی برای رشد اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی		
سرمایه‌گذاری مختلف اقتصادی ایران در منطقه		

تقویت روابط اقتصادی در منطقه		
افزایش مناسبات اقتصادی در منطقه		
انجام فعالیت‌های اقتصادی مشترک در منطقه	تقویت روابط اقتصادی ایران با آسیای مرکزی	
انتقال تجربه فنی و مهندسی ایران به کشورهای آسیای مرکزی		
تقویت تعامل سازنده میان کشورهای مختلف آسیای مرکزی		
تقویت روابط اقتصادی متقابل به واسطه دسترسی آسیای مرکزی به آب‌های آزاد		
تقویت روابط اقتصادی دو یا چندجانبه ایران با کشورهای آسیای مرکزی		
گسترش همکاری‌های تجاری غیرنفتی با آسیای مرکزی		
تقویت روابط اقتصادی در بخش خصوصی		
همکاری مشترک در زمینه انتقال انرژی		
انجام سرمایه‌گذاری‌های خارجی و طرح‌های عمرانی		
تقویت تبادلات اقتصادی سودآور دو طرفه		
حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه		
تقویت شرکت‌های اقتصادی دانش‌بنیان		
رونق بنگاه‌های اقتصادی		
حمایت از کسب‌وکار اقتصادی		
تأکید بر اقتصاد رقابتی		
مقابله با فقر در آسیای مرکزی		
درآمدزایی از راه گسترش گردشگری در منطقه		
توجه به امنیت پایدار در منطقه	تقویت امنیت پایدار در منطقه	تقویت امنیت پایدار در منطقه
توجه هم‌زمان به جنبه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری امنیت		
کاهش تنش‌های رقابتی در رابطه با مقوله انرژی	تنش‌زدایی و حل اختلاف‌ها در منطقه	
تلاش در جهت تنش‌زدایی در منطقه		
پرهیز از تنش‌های فرهنگی		
پرهیز ایران از چالش‌های رقابتی در منطقه		
تعدیل شرایط رقابت گفتمانی در آسیای مرکزی		
میانجیگری ایران برای حل اختلاف‌های مرزی		
داشتن نقش فعال میانجی ایران برای حل اختلاف‌های مرزی		
برنامه‌ریزی ایران برای تقویت گفتمان وحدت	تقویت وحدت و پیوند	

اسلامی در منطقه	اجتماعی در منطقه	تقویت گفت‌وگو و وحدت اسلامی و همگرایی در مقابله با تندروی
تقویت نگاه وحدت‌طلبانه خارج از فرقه‌گرایی		
استفاده از قدرت نرم برای مقابله با اسلام‌گرایی تندرو		
همکاری با روسیه برای مقابله با تندروی‌گرایی		
تعامل و هم‌افزایی دولت با کشورهای منطقه در برخورد با تندروی	تعامل هم‌افزا در برخورد با تندروی‌گرایی	
همکاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی در راستای ثبات منطقه		
تقویت روابط همه‌جانبه با آسیای مرکزی		
تقویت و توسعه تعامل فرهنگی در منطقه		
تقویت تعامل با آسیای مرکزی براساس منافع مشترک		
برنامه‌ریزی برای توسعه سیاست خارجی با آسیای مرکزی		
تکمیل نشدن طرح توسعه سیاسی در آسیای مرکزی	توسعه‌نیافتگی سیاسی	توجه به توسعه سیاسی در آسیای مرکزی
توسعه‌نیافتگی سیاسی در آسیای مرکزی		
ناکارآمدی نگاه تمرکزگرایانه در آسیای مرکزی		
وجود تهدیدهای سیاسی ناشی از انتظارات برآورده‌نشده مردم منطقه آسیای مرکزی		
اقتدارگرایی مانع گسترش دموکراسی و مشارکت سیاسی در آسیای مرکزی		
تقویت مشارکت عادلانه سیاسی شهروندان		
تسهیل و ایجاد فضای باز سیاسی		
حمایت از برگزاری انتخابات آزاد در آسیای مرکزی	حمایت و کمک به توسعه سیاسی در آسیای مرکزی	
حمایت و کمک ایران به روی کار آمدن حکومت‌های معتدل در پرتو برگزاری انتخابات آزاد		
حمایت از حقوق زنان		
تبادل تجربه‌های سیاسی با حکومت‌های آسیای مرکزی		
تلاش برای تقویت مشارکت عمومی در منطقه		
برگزاری انتخابات آزاد		
مبارزه با فساد و رشوه		
گردش آزاد اطلاعات در سایه توسعه وسایل ارتباط جمعی		
تقویت جامعه مدنی		
حمایت از رسانه‌های آزاد		
توجه به مسائل و مشکلات بهداشت و درمان آسیای مرکزی	بهبود مسائل بهداشت و	

توجه به توسعه اجتماعی در آسیای مرکزی	درمان	کمک ایران به بهبود مسائل بهداشت و درمان آسیای مرکزی
		ارتقای سطح بهداشت فردی و عمومی
	کمک‌های بلاعوض اجتماعی	کمک‌های بلاعوض اجتماعی
توجه به توسعه پایدار در ایران برای مقابله با اسلام‌گرایی تندرو	توجه به توسعه اقتصادی در ایران برای مقابله با اسلام‌گرایی تندرو	رشد متوازن اقتصادی در ایران
		توجه به رشد و بهبود شرایط اقتصادی
		کمک‌های اقتصادی دولت به شهروندان
		توجه به رشد اقتصادی مناطق محروم کشور
		توجه به خصوصی‌سازی و کاهش سلطه دولت در امور جامعه
		توجه به مقابله با فقر و بیکاری به‌ویژه در مناطق محروم
		توجه به رفاه اقتصادی
توجه به توسعه سیاسی در ایران برای مقابله با اسلام‌گرایی تندرو	توجه به توسعه سیاسی در ایران برای مقابله با اسلام‌گرایی تندرو	توسعه نهادهای غیردولتی
		تقویت کنش عقلانی ارتباطی در جامعه
		تقویت مشارکت سیاسی شهروندان
		تنش‌زدایی اختلاف‌های قومی و مذهبی
		پذیرش کثرت‌گرایی فرهنگی در کشور
		توجه به آزادی‌های مدنی شهروندان
		پذیرش کثرت‌گرایی سیاسی
		تقویت جامعه مدنی برای مشارکت سیاسی شهروندان
پذیرش کثرت‌گرایی و رویکرد چندفرهنگی		
توجه به توسعه اجتماعی در ایران برای مقابله با اسلام‌گرایی تندرو	توجه به توسعه اجتماعی در ایران برای مقابله با اسلام‌گرایی تندرو	تنش‌زدایی در روابط خارجی
		بهبودی مسائل بیمه‌ای شهروندان
		بهبودی شرایط عادلانه بهداشتی و آموزشی در کشور
		توجه به شایسته‌سالاری و فرصت‌های برابر در جامعه

Source: Authors' Research Findings.

جدول ۲ تعداد مضمون‌های فراگیر، سازمان‌یافته و پایه‌ای راهکارهای مقابله با تهدیدهای امنیتی گسترش اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی را با تأکید بر نقش ایران، برگرفته از داده‌های کیفی نشان می‌دهد:

جدول ۲. تعداد مضمون‌های فراگیر، سازمان‌یافته و پایه‌ای راهکارهای مقابله با تهدیدهای امنیتی گسترش اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی با تأکید بر نقش ایران

ردیف	مضمون‌های فراگیر	مضمون‌های سازمان‌یافته	مضمون‌های پایه
۱	ترویج خوانش رحمانی و اخلاقی اسلام مرکزی در آسیای مرکزی	۲	۹
۲	تلاش در جهت همگرایی فرهنگی در آسیای مرکزی	۲	۱۶
۳	استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی	۲	۶
۴	توجه به توسعه اقتصادی در آسیای مرکزی	۳	۲۹
۵	تقویت امنیت پایدار در منطقه	۱	۲
۶	تقویت گفت‌وگو و وحدت اسلامی و همگرایی در مقابله با تندروی	۳	۱۷
۷	توجه به توسعه سیاسی در آسیای مرکزی	۲	۱۷
۸	توجه به توسعه اجتماعی در آسیای مرکزی	۲	۴
۹	توجه به توسعه پایدار در ایران برای مقابله با اسلام‌گرایی تندرو	۳	۲۰
جمع کل	۹	۲۰	۱۲۰

Source: Authors' Research Findings.

همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، راهکارهای مقابله با تهدیدهای امنیتی گسترش اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی با تأکید بر نقش ایران براساس مصاحبه نیمه ساخت‌یافته (نیمه استاندارد) با ۱۲ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران از ۹ مضمون فراگیر، ۲۰ مضمون سازمان‌یافته و سرانجام با ۱۲۰ مضمون پایه‌ای به اشباع نظری رسیده است. بنابراین در این مرحله می‌توانیم براساس مضمون‌های فراگیر و سازمان‌یافته مدل مفهومی شبکه‌ای را به این شرح ترسیم کنیم:

همکاری‌های منطقه‌ای در بخش‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و ایجاد جامعه‌های امنیتی، با تکیه بر قدرت نرم که بر جنبه‌های نرم‌افزاری و فرهنگی در قالب تولید محتوای فرهنگی، آموزشی و اطلاع‌رسانی تأکید دارد؛ برای مقابله با این پدیده شوم دنیای مدرن همت شود. از این دیدگاه، راهکارهای مقابله با تهدیدهای امنیتی، گسترش اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی با تأکید بر نقش ایران براساس مصاحبه نیمه ساخت‌یافته (نیمه استاندارد) با ۱۲ نفر از خبرگان و به‌واسطه فرایند تحلیل شبکه مضمون شامل این نه محتوای فراگیر بوده است: ۱. ترویج خوانش رحمانی و اخلاقی اسلام میانه‌رو در آسیای مرکزی، ۲. تلاش در جهت همگرایی فرهنگی در آسیای مرکزی، ۳. استفاده از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی، ۴. توجه به توسعه اقتصادی در آسیای مرکزی: شامل سه محتوای سازمان‌یافته، ۵. تقویت امنیت پایدار در منطقه، ۶. تقویت گفت‌وگو وحدت اسلامی و همگرایی در مقابله با تندروی، ۷. توجه به توسعه سیاسی در آسیای مرکزی، ۸. توجه به توسعه اجتماعی در آسیای مرکزی، ۹. توجه به توسعه پایدار در ایران برای مقابله با اسلام‌گرایی تندرو.

براساس مطالعه کیفی در قالب راهبردهای مناسب برای مقابله با تهدیدهای امنیتی اسلام‌گرایی تندرو در آسیای مرکزی و با توجه به نقش ایران پیشنهادهایی ارائه می‌دهیم:

۱. به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها برای معرفی و آگاهی‌بخشی نسبت به اسلام میانه‌رو و تمایز آن با اسلام تندرو؛

۲. بسترسازی برای تقویت وجوه فرهنگی و تاریخی مشترک با آسیای مرکزی؛

۳. به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها در جهت تقویت ظرفیت‌های ادبی و هنری مشترک در آسیای مرکزی؛

۴. بسترسازی و به‌کارگیری همه ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی برای تقویت روابط و تبادلات علمی، آموزشی و پژوهشی در آسیای مرکزی؛

۵. بسترسازی و به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها برای تقویت روابط اقتصادی ایران با آسیای مرکزی؛

۶. بسترسازی برای توسعه اقتصادی در آسیای مرکزی؛

۷. بسترسازی و به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها برای تحقق‌بخشی به امنیت پایدار در منطقه؛

۸. تقویت همگرایی و بسترسازی برای تنش‌زدایی و حل اختلاف‌ها در منطقه؛

۹. بسترسازی برای تعامل هم‌افزا در برخورد با تندروی‌گرایی در منطقه؛

۱۰. بسترسازی برای حمایت و کمک به توسعه سیاسی در آسیای مرکزی؛

۱۱. بسترسازی برای ارتقای رفاه و کیفیت زندگی اجتماعی و رضایت‌مندی شهروندان در

آسیای مرکزی؛

۱۲. به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها برای رشد و توسعه اقتصادی در ایران؛

۱۳. بسترسازی برای توسعه حوزه عمومی و جامعه مدنی در ایران؛
۱۴. داشتن تعامل هم‌افزا بین بازیگران سیاسی برای تنش‌زدایی در حوزه‌های داخلی و روابط خارجی؛
۱۵. بسترسازی برای ارتقای سطح رفاه و کیفیت زندگی اجتماعی و رضایت‌مندی شهروندان در ایران.

References

- Abedi Jafari, Hassan and Others (2011), "Theme Analysis and Theme Network: a Simple and Efficient Way to Explain the Patterns in Qualitative Data, the Idea of Strategic Management", **Journal of Strategic Management Thought**, Vol. 5, No. 2, pp. 198-151 [in Persian].
- Abolhassan Shirazi, Habibollah and Mohammad Reza Majidi (2017), **Politics and Government in Central Asia and the Caucasus**, Tehran: Ghomes [in Persian].
- Akhavan Kazemi, Masoud and Others (2018), "Analysis of the ISIS Political-Social Presence in Central Asia: from Threat of Influence to Reality of the Presence", **Central Eurasia Studies**, Vol. 11, No. 1, pp. 1-21 [in Persian].
- Alivardinia, Akbar (2011), **Homeless Addicted Sleeping Sociology**, First Edition, Tehran: Sociologists Publications [in Persian].
- Astraus, Enslam and Juliet Karbin (2018), **Fundamentals of Qualitative Research (Techniques and Stages of Producing Background Theory)**, Translated by Ebrahim Afshar, Seventh Edition, Tehran: Ney [in Persian].
- Azad Armaki, Taghi, Mehdi Mobaraki and Mehdi Shahbazi (2012), "Investigation and Identification of Applied Indicators of Social Development (Using Delphi Technique)", **Journal of Social and Cultural Development Studies**, Vol. 1, No. 1, pp. 7-30 [in Persian].
- Azizkhani, Ahmad (2009), "A Study of the Indices of Christian Fundamentalism in America (Based on the Ideas of Leo Strauss)", **Journal of Religion and Politics**, Nos. 19-20, pp. 61-88 [in Persian].
- Babaie Fard, Asadollah (2010), "Cultural Development and Social Development in Iran", **Journal of Social Welfare**, Vol. 10, No. 37, pp. 56-57 [in Persian].
- Dehshiri, Mohammadreza and Shahin Jozani Kohan (2016), "ISIS Terrorists Cells in Central Asia", **Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 21, No. 92, pp. 29-63 [in Persian].

- Diyanat, Mohsen and Others (2018), "An Analysis of the Relationship between Economic Indicators and Tendency Toward Radical Islam in Central Asia", **Central Eurasia Studies**, Vol. 11, No. 1, pp. 101-121 [in Persian].
- Diyanat, Mohsen and Others (2019), "A Study and Comparison of the Role of Social Development Indicators in Tendency to Extreme Islam in Central Asia", **Central Eurasia Studies**, Vol. 12, No. 1, pp. 101-140 [in Persian].
- Dougherty, James and Robert Pfaltzgraff (1971), **Contending Theories in International Relations**, Philadelphia, J. B. Lippincott Company.
- Esnay, Joseph (2008), **Soft Power (Tools for Success in International Politics)**, Translated by Seyed Fakhrouhani and Mehdi Zolfaghari, Tehran: Imam Sadegh University of Tehran Publication [in Persian].
- Fatemi Nejad, Seyed Ahmad (2020), "Transferring to the East: the Path for ISIS Survival as a Terrorist Organization", **Central Eurasia Studies**, Vol. 13, No. 1, pp. 187-208 [in Persian].
- Felik, Oveh (2006), **An Introduction to Qualitative Research**, Translated by Hadi Jalili, Second Edition, Tehran: Ney [in Persian].
- Garted, Robert (1998), **Why do Humans Rebel?** Translated by Ali Morshedi Zadeh, Tehran: Research Institute for Strategic Studies [in Persian].
- Ghavam, Seyed Abdol Ali (2005), **International Relations Theories and Approaches**, Tehran: SAMT [in Persian].
- Grinin, Leonid and A. Korotayev (2019), "Islamism and its Role on Modern Islamic Societies: World System and World Values Perspectives", pp. 61-62, Available at: <https://www.researchgate.net/publication/327917762>, (Accessed on: 23/7/2019).
- Hadian, Naser and Afsaneh Ahadi (2009), "Conceptual Position of Public Diplomacy", **Journal of Foreign Relations**, Vol. 1, No. 2, pp. 85-117 [in Persian].
- Heathershaw, John and W. David Montgomery (2015), "The Myth of Post-Soviet Muslim Radicalization in the Central Asian Republics", Available at: <https://www.chathamhouse.org/publication/myth-post-soviet-muslim-radicalization-central-asian-republics#sthash.uRIDg20i.dpuf>, (Accessed on: 11/11/2014).
- Keivan Hosseini, Seyyed Asghar and Shirin Omrani Manesh (2018), "Confronting Terrorism and the Transformation of China's Regional Foreign Policy in Central Asia (2002-2016)", **Central Eurasia Studies**, Vol. 11, No. 2, pp. 453-467 [in Persian].

- Kivisto, **Peter** (2007), *Fundamental Thoughts in Sociology*, Translated by Manouchehr Sabouri, Sixth Edition, Tehran: Ney [in Persian].
- Lopour, Jacqueline (2015), "Geopolitics at the World's Pivot: Exploring Central Asia's Security Challenges", **CIGI Papers**, No. 80, pp. 1-2, Available at: https://www.cigionline.org/sites/default/files/cigi_paper_no.80_web_0.pdf, (Accessed on: 12/2/2019).
- Mahnovski, Sergei, Kamil Akramov and Theodore Karasik (2006), "Economic Dimensions of Security in Central Asia", **Project Air Force**, Available at: <https://www.rand.org/pubs/monographs/MG417.html#download>, (Accessed on: 11/6/2018).
- Majidi, Mohammadreza and Yousef Bagheri (2018), "The Background of the Emergence and Growth of Extremism in Central Asia: Case Study ISIS", **Journal of Political and International Studies**, Vol. 10, No. 34, pp. 151-175 [in Persian].
- Mohseni Tabrizi, Alireza (2008), "Measuring the Degree of Relative Deprivation and Relative Perceptual Deprivation of Young People (Study of Tehran City)", **Social Science Letter**, Vol. 16, No. 34, pp. 73-98 [in Persian].
- Moshirzadeh, Homeira (1996), "A Review of Revolution Theories in the Social Sciences", **Rahboud Publication**, No. 9, pp. 107-156 [in Persian].
- Rauf, S. (2017), "Changing Geopolitical Dynamics in Central Asia: Causes and Effects", **Institute of Strategic Studies**, Vol. 37, No. 4, pp. 149-165.
- Salimi, Ali and Mohamad Delavari (2007), **Deviant Sociology**, Third Edition, Qom: Institute Research Publications and University [in Persian].
- Saroukhani, Bagher (2008), **Research Methods in Social Sciences**, Vol. 1, Fourteenth Edition, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies [in Persian].
- Sedigh Sarvestani, Rahmatollah (2007), **Social Pathology (Sociology of Social Deviations)**, Tehran: Ney [in Persian].
- Zahedi Mazandarani, Mohammad Javad (2007), **Development and Inequality**, Tehran: Maziar [in Persian].
- Zhussipbek, Galym (2017), "Political Islam in the Central Asian Context: after 25 Years of Independence", **Researchgate**, pp. 91-92, Available at: https://www.researchgate.net/publication/317503881_Political_Islam_in_the_Central_Asian_Context_After_25_years_of_Independence, (Accessed on: 15/5/2019).

- Тараканова, Тамара Сергеевна (2017), “Экономическое Сотрудничество Китайской Народной Республики со Странами Шанхайской Организации Сотрудничества”, **Санкт-Петербургский Политехнический Университет Петра Великого (Санкт-Петербург), Управленческое Консультирование**, № 3, pp. 159-163.
- Тулеев, М. С. (2016), “Центральная Азия: Афганистан и Современные Аспекты Геополитики”, **Вестник КРСУ**, Том 16, № 6, Available at: <https://www.krsu.edu.kg/vestnik/2016/v6/a45.pdf>, (Accessed on: 5/6/2019).